

و بقیه و نشاید در در شدن و در این چنین از هم غیر بجای فراری که قوتش از قوت
و کارها کردن **بجن** بالفتح در زلفتن و بوبون بوی دهن در خواست و جایگاه کردن در شاخ
درخت بر بون و پوست از گوشت باز کردن دراز و سبکین و باغی از شکسرون **بجن**
سوی و راه و آینه و فلکی اعراب کلام عبا بر این داشته ستود و تصدق و آنگاه کردن و تصدق
و بر کرد آید و تمام مردیست که بوی قوی از غریب که با دستوب اند **بلیغ** بالفتح بلیغ
جمع کردن مردم را و یکس مردم رفتن و بخش کردن و بریدن شتر مابین آب
توزدلی اول دوم **تزد** بر حقیقت **نصو** بالفتح موی پشانی که رفتن و کشیدن و سالی
بسان و یکس متصل شدن و در کردن جامه **نصو** بالفتح موی پشانی که رفتن و کشیدن و سالی
سدن است و کشیدن شتر و قطع کردن بلاد و زایل شدن غنای خضاب از بوی سر
و از دست و با بالک شتر تراخ و خوب تر با وضع بجان و جامه کمتر کشیدن در سالی
بر سالی و یکس متصل شدن و در کردن جامه **نصو** بالفتح موی پشانی که رفتن و کشیدن و سالی
خضاب **نصو** بالفتح و در شدن **نصو** بالفتح موی پشانی که رفتن و کشیدن و سالی
با مشه **نصو** بالفتح و در شدن و در کردن و بر آمدن کلاه از زمین و ماییدن آن
نصو بالفتح و در شدن و در کردن و بر آمدن کلاه از زمین و ماییدن آن
و کس با مشه یافتند و با بیدار شده که معالیم نشود و کلام وقت نماید باشد که ما که بعد
شود و نام مولای و پسر **نابه** و **نیه** بزرگوار و مشهور و بزرگی **نابه** بالفتح در آن جا را
و با در داشتن **نزه** بالفتح و کس از آنست خالی و دور بزرگوار و بلند **نزه** بالفتح
شدن در رفتار و در آن **ناده** کن رفتار و کن و در آن **ناده** بالفتح
بعین **نوه** بالفتح در یافتن و کوشش هر جن کردن و از چاری بر سالی **نانه** از چاری
پیشین **نوه** از چاری بر شده **نانه** بالفتح بزرگوار شدن و بلند و سطر و بوی شدن
ایع الیا و نای بالفتح و سکون عزه و در شدن و اصلاح آوردن **بی** بفرود

نوع عبارت است از موی
قوانین که در آن اجزای کلام است
بیشتر باشد
نحوه معنی است از لغت
قصد و مقوله و مقادیر و نوع

نوع از چاری
نوع از چاری

و شرف بر خلق پس بفری **نجی** بالفتح و نشاید در در شدن و در این چنین از هم غیر بجای فراری که قوتش از قوت
و رسیده **نجی** بالکس خراب روشن **نای** تصدق کرده و کرد است **نای** نای **نای** بالفتح
جمع شده کلام مردم و در و مان **نای** فراموش کننده **نجی** چیزی فراموش کرده شده
و جز زبولن که در منزل سفر آرزو داشته باشند و در آن انقضا نکرده و در گو باک که
در جنس زنان **نهی** بالفتح و نشاید کشیدن و پشانی که رفتن و کشیدن و سالی
و جامه برکت و کشیدن شتر از نشاید و بالفتح موضع بجان تیر باغی از چاری بر شده
ضع کردن که مابین شانه باشد تا سر و تیر نو شمشیر که هنوز بر بجان نشانه باشد
نجی جز حرکت یکس جان و در آن ظاهر شدت کردن و جز حرکت و بالفتح و نشاید
و بنده و همچنین **نجی** در اندن و رانده شدن دست کردن و عیت کردن و بر
فاوت شده بیدار **نجی** از دو یک وقت خوش و آنچه در از آب دلو و آنچه در
سهمای اسبان از شکسریزه و چران و آنچه در در از آب دلو و آنچه در
مراد است سفیان مرقوم و سپری که از بزرگ فرماست زنده و آنگاه کشید با بزرگ و کلیم
عید و نوبت **نجی** بالکس مغز استخوان و پدید چشم و بالفتح و نشاید با پاک و خاص
نجی بالفتح پس بر سر چهره نهادن و جز یکس سالی کردن و نشاید کردن چیزی
چیزی و بر در شدن و رسانیدن شتر بر وجه صلاح و بالفتح و نشاید و با زود و او
منه از موش که در آن مس و از زیز بوده باشد و از آنست **نای** بفرود
نای موی پشانی و بزرگان قوم جمع ناحیه **نای** طرنا و کوشش **نهی** بالفتح باز در
و منع کردن و با کس بعضی از آب سیل که جای مانده باشد و بفرود **نای**
باز در شده **نای** باز در نمکان جمع **نای** بالکس و نشاید با بزرگ و بالفتح
بسیار **نای** بالکس و نشاید با بزرگ و بالفتح **نای** بالکس و نشاید با بزرگ و بالفتح
همزه حرکت عالم که سبب دهموا هم رسد **نای** بالکس استوار **نای** بالکس

نوع از چاری
نوع از چاری
نوع از چاری
نوع از چاری